Enviromental Bulletin



بولتن محیط زیست

November 23. 2026-No 87 شماره ۸۶ دوشنبه ۲ آذر۱۴۰۵

یاداشت : ایران و کاپ ۳۱

مهدی ابراهیم زاده



سی ویکمین اجلاس تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد در آنتالیا ترکیه، که از ۹ نوامبر آغاز شده، در حال پایان است. برخلاف انتظار، شمار نسبتاً محدودی از رهبران کشورهای مختلف در این اجلاس حضور داشتند. با این حال، مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، این نشست را فرصتی مناسب برای گفت‌وگو با رهبران کشورهای مختلف و بیان مواضع جمهوری اسلامی در قبال آثار مخرب جنگ و تجاوزات نظامی بر محیط زیست دانست.

در حالی که هدف اصلی چنین اجلاس‌هایی، با حضور رهبران و نمایندگان کشورها، دانشمندان و اعضای جامعه مدنی، فراهم کردن بستری برای بحث، تبادل نظر و دستیابی به راهکارهای عملی در حوزه مقابله با تغییرات اقلیمی است، موضوعاتی همچون کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، سازگاری با پیامدهای تغییر اقلیم و تأمین مالی اقدامات اقلیمی در کانون توجه قرار دارند.

همراه با رئیس‌جمهور، هیئتی از سازمان انرژی اتمی ایران نیز در این اجلاس حضور دارد. جای تعجب است که چرا سازمان انرژی اتمی و نه سازمان محیطزیست کشور؟ شاید شرکت آنها بدلیل تشریح ظرفیت‌های صنعت هسته‌ای کشور، کاربردهای صلح‌آمیز فناوری هسته‌ای و نقش این فناوری در تأمین انرژی پاک و پایدار برای شرکت‌کنندگان باشد!

اگرچه انرژی هسته‌ای همواره با مخالفت برخی جنبش‌های محیطزیستی، از جمله گرین‌پیس (صلح سبز)، روبه‌رو بوده است، اما به‌عنوان یکی از منابع تولید برق کم‌کربن، طی سال‌های اخیر جایگاه مهمی در مباحث بین‌المللی مرتبط با امنیت انرژی، کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و دستیابی به اهداف توافق‌نامه پاریس پیدا کرده است.

حضور هیئت سازمان انرژی اتمی ایران در این رویداد، فرصتی برای پیگیری مباحث تخصصی درباره آینده انرژی هسته‌ای، تبادل تجربیات با سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، آشنایی با آخرین تحولات فناوری و بررسی زمینه‌های همکاری با کشورهای مختلف فراهم می‌آورد.

با این حال، حضور هیئت نمایندگی ایران در این اجلاس، در شرایطی که رئیس سازمان حفاظت محیط زیست کشور در آن حضور ندارد، پرسش‌برانگیز است. این غیبت، در کنار پررنگ بودن حضور نمایندگان سازمان انرژی اتمی، می‌تواند این برداشت را تقویت کند که حضور جمهوری اسلامی در این رویداد، بیش از آنکه ناشی از دغدغه‌ای جدی درباره بحران تغییرات اقلیمی و پیامدهای آن برای ایران باشد، در راستای تلاش برای حفظ حضور در عرصه بین‌المللی، طرح مواضع سیاسی و واکنش به فشارهای جهانی در ارتباط با برنامه و فناوری هسته‌ای کشور صورت گرفته است.

Enviromental Bulletin

بولتن محیط زیست

دوشنبه ۲ آذر۱۴۰۵ شماره ۸۶ November 23. 2026-No 87

زمین خانه مشترک ماست؛ حفاظت از آن مسئولیت مشترک همه ماست

به مناسبت سی‌ویکمین کنفرانس تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد - کاپ ۳۱



از ۹ تا ۲۰ نوامبر شهر آنتالیا ترکیه میزبان برگزاری کاپ ۳۱ است. درحالیکه ترکیه ریاست کنفرانس را برعهده دارد، وزیر تغییرات اقلیمی و انرژی استرالیا مذاکرات را هدایت میکند. با وجود تاکیدات و هشدار های زیاد در اهمیت این کنفرانس و شرکت ۲۰۰ هیئت نمایندگی، تعداد کمی از سران کشورها در این اجلاس شرکت کرده‌اند.

برگزاری کنفرانس‌های سالانه سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی، همواره فرصتی است برای دانشمندان تا مذاکره‌کنندگان سیاسی را در جریان تمامی یافته‌های علمی جدید و مهم درباره وضعیت گرمایش زمین و میزان انتشار گازهای دی‌اکسید کربن قرار دهند.

مطالعات متعدد در این زمینه با هشدار صریح و قاطع کارشناسان همراه است؛ هشداری درباره ضرورت و فوریت پیشبرد جدی‌تر اقدامات مربوط به حفاظت از اقلیم و سازگاری با پیامدهای تغییرات آب‌وهوایی .

مسئله نگران‌کننده این است که نمایندگان بیش از ۲۰۰ کشور جهان مدت‌هاست از وخامت اوضاع و جدی بودن این بحران آگاهی دارند، با این حال، اقدامات عملی برای اجرای توافق‌نامه اقلیمی پاریس تاکنون به‌هیچ‌وجه متناسب با این وضعیت نبوده است. منافع سیاسی و اقتصادی کشورها با یکدیگر تفاوت‌های زیادی دارند و از مدتی پیش نیز اهمیت چندجانبه‌گرایی در عرصه بین‌المللی روزبه‌روز کمتر شده است.

بسیاری از کشورهای صنعتی یا بنا به منافع گفته شده ابعاد بحران، و حتی گاه وجود بحران، را نفی می کنند یا بر این باورند که به هر حال از پس پیامدهای تغییرات اقلیمی برخواهند آمد.

اما برای برخی از کشورهای در حال توسعه، محور اصلی مذاکرات اقلیمی تقریباً به مطالبه جبرانها و کمک‌های مالی محدود شده است؛ کمک‌هایی که با توجه به افزایش روزافزون رویدادهای شدید آب‌وهوایی و فجایع ناشی از آن‌ها، در نهایت برای این کشورها جنبه‌ای حیاتی و حتی تعیین‌کننده در بقای آن‌ها دارد.

در عین حال هستند عواملی همچون کیفیت حکمرانی و ظرفیت نهادی، توان و اختصاص بسیج منابع داخلی و سرمایهٔ خصوصی، رشد و تنوع اقتصادی و مشارکت برنامه ریزی شده در کاهش انتشار، که مجموعهٔ آنها در کشورهای در حال توسعه نقشی تعیین کننده نسبت به محدودیتهای مالی در مهار بحران دارند.

اینکه جهان چگونه قرار است به‌طور جدی در مسیر محدود کردن افزایش دمای زمین به ۱٫۵ درجه سانتی‌گراد گام بردارد، در حالی که بسیاری از کشورها در آنتالیا خود را به این هدف متعهد می‌دانند، همچنان روشن نیست.

جهان نه‌تنها در مسیر حرکت به‌سوی فاجعه اقلیمی قرار دارد، بلکه مدت‌هاست وارد این بحران شده است؛ همان‌طور که رویدادهای امسال نشان می‌دهد.

در سال جاری، پیامدهای گرمایش زمین با پدیده النینو (پدیدهٔ طبیعی و مکرر گرمتر شدن آبهای سطحی بخشی از اقیانوس آرام در استوای زمین) که از شدت و قدرت غیرمعمولی برخوردار است، تشدید شده‌اند.

اگر در آنتالیا، در جریان مذاکرات، کشورهای پیشرو و طرفدار اقدامات جدی‌تر اقلیمی نتوانند مواضع خود را به کرسی بنشانند، حتی تصمیم‌های مربوط به

Enviromental Bulletin



بولتن محیط زیست

November 23. 2026-No 87 شماره ۸۶ دوشنبه ۲ آذر۱۴۰۵

برقی‌سازی مصرف انرژی نیز در حد اقدامی بی‌ثمر و بی‌خاصیت باقی خواهند ماند.

بحران اقلیمی صرفاً یک مسئله زیست‌محیطی نیست؛ بلکه با ساختارهای اقتصادی، مناسبات قدرت، نابرابری‌های اجتماعی و شیوه تولید و مصرف در جهان پیوندی عمیق دارد.

پیامدهای این بحران بیش از همه متوجه کارگران، زحمتکشان، اقشار کم‌درآمد، زنان، کودکان، جوامع بومی و مردمان کشورهای کمتر توسعه‌یافته است؛ مردمانی که کمترین سهم را در ایجاد این بحران داشته‌اند، اما بیشترین آسیب‌ها را متحمل می‌شوند.

مقابله با بحران اقلیمی چالشی همگانی است که در آن دولت‌ها، نهاد های بین‌المللی، احزاب، سازمان‌های مردم‌نهاد و آحاد مردم باید هرکدام به سهم خود احساس مسؤلیت کنند و وظایفی برعهده گیرند، معذالک سهم اصلی بر عهده دولت ها و سازمان‌های بین‌المللی است. از اینرو دولت ها، سازمان‌های بین‌المللی، و رهبران جهان وظیفه دارند:

تعهدات خود در چارچوب توافق‌نامه پاریس را به اقدامات عملی، شفاف و قابل سنجش تبدیل کنند.

برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و محدود کردن افزایش دمای جهانی به ۱.۵ درجه سانتی‌گراد تلاش جدی و فوری به عمل آورند.

گذار از سوخت‌های فسیلی به انرژی‌های تجدیدپذیر را با برنامه‌ای مشخص و عادلانه پیش ببرند.

از تخریب جنگل‌ها، منابع آب، خاک، اقیانوس‌ها و تنوع زیستی جلوگیری کنند.

مسئولیت تاریخی و ظرفیت اقتصادی کشورهای صنعتی و ثروتمند را در تأمین مالی اقدامات اقلیمی عملی کنند.

هزینه‌های گذار اقلیمی را بر دوش کارگران، مزدبگیران و اقشار کم‌درآمد نیاندازند.

این مجموعه مستلزم یک اجماع عملی جهانی، سیاستگذاری و برنامه ریزی دوراندیشانه هر دولت، و اشاعه و تجهیز هر جامعه به فرهنگ دوستدار محیط زیست است.

بحران اقلیمی اساساً محصول عملکرد کشورهای صنعتی و نابرابری‌های ساختاری اقتصاد جهانی است، بنابراین بدون در نظر گرفتن مسئولیت تاریخی این کشورها این بحران قابل حل نیست.

کشورهایی که بیشترین سهم را در انباشت تاریخی گازهای گلخانه‌ای داشته‌اند، باید مسئولیت متناسب با سهم تاریخی و توان اقتصادی خود را در تأمین منابع مالی، انتقال فناوری و حمایت از کشورهای آسیب‌پذیر بپذیرند.

در عین حال باید بر اهمیت نقش عوامل سیاسی-مدیریتی و فرهنگی بویژه در کشورهای در حال توسعه نیز تاکید کرد. تأمین مالی اقلیمی نباید به ابزاری برای افزایش بدهی کشورهای فقیر تبدیل شود .

در کشور ما علاوه بر تغیرات اقلیمی، اثرات زیانبار دو جنگ گذشته بر زیست بوم ایران و خطر شعله ور شدن یک جنگ دیگر ما را با چالش جدی تری روبر کرده است:

پایداری سرزمینی. فارغ از اینکه تحولات سیاسی کشور در آینده به کدام سمت سو باشد، تلاش برای حفظ زیست بوم و پایداری ایران همچنان وظیفه اصلی همه ماست.

حزب چپ ایران – گروه کار محیط زیست



Enviromental Bulletin



بولتن محیط زیست

دوشنبه ۲ آذر۱۴۰۵ شماره ۸۶ November 23. 2026-No 87

شکست مذاکرات اقلیمی آنتالیا؛ جهان بر سر نفت و پول به توافق نرسید

حبیب حسینی فرد



سی‌ویکمین کنفرانس اقلیمی سازمان ملل متحد (کاپ ۳۱) در آنتالیا، پس از دو هفته مذاکره و بیش از ۴۵ ساعت تمدید مهلت، روز یکشنبه، اول آذر (۲۲نوامبر) بدون دستیابی به توافق نهایی میان نزدیک به ۲۰۰ کشور شرکت‌کننده پایان یافت.
کنفرانسی که قرار بود گام‌های عملی تازه‌ای برای مقابله با بحران اقلیمی بردارد، در نهایت زیر سایه اختلاف‌های عمیق بر سر کنار گذاشتن سوخت‌های فسیلی، تأمین مالی کشورهای آسیب‌پذیر و نحوه گذار به انرژی‌های پاک قرار گرفت. با این حال، مذاکرات کاملاً بی‌نتیجه نبود و چند ابتکار و ائتلاف تازه در حاشیه آن شکل گرفت.

در واپسین ساعات کنفرانس، در حالی که نمایندگان کشورها پس از هفته‌ها مذاکره خسته و فرسوده شده بودند و حتی امکانات اولیه محل برگزاری نیز با کمبود روبه‌رو شده بود، اتحادیه اروپا پیش‌نویس نهایی ارائه‌شده از سوی ریاست مشترک ترکیه و استرالیا را رد کرد. دلیل اصلی مخالفت اروپا این بود که متن پیشنهادی، تعهدی روشن و صریح به خروج از زغال‌سنگ، نفت و گاز نداشت.
داراگ اوبراین، وزیر اقلیم ایرلند، به نمایندگی از اتحادیه اروپا اعلام کرد که این اتحادیه نمی‌تواند بیانیه پایانی‌ای را بپذیرد که حتی نامی از سوخت‌های فسیلی در آن برده نشده باشد. بیش از ۱۳۰ کشور نیز در مرحله پایانی خواستار توافقی قوی‌تر شده بودند، اما مقاومت کشورهای مخالف مانع دستیابی به اجماع شد. مورات کوروم، رئیس کنفرانس، سرانجام پذیرفت که توافقی بر سر سند نهایی حاصل نشده است.

سه جبهه اصلی اختلاف

شکست مذاکرات را نمی‌توان صرفاً به ضعف مدیریت یا بی‌نظمی ریاست کنفرانس نسبت داد؛ هرچند نمایندگان و فعالان محیط زیست از عملکرد ترکیه و استرالیا در هدایت مذاکرات انتقاد کردند. در واقع، اختلاف میان کشورها از ابتدا عمیق بود و سه گروه اصلی با خواسته‌هایی متفاوت در برابر یکدیگر قرار داشتند.

گروه نخست، کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه کشورهای آفریقایی و جزایر اقیانوس آرام بودند که با وجود سهم اندک خود در ایجاد بحران اقلیمی، بیشترین آسیب‌ها را از پیامدهای آن متحمل می‌شوند. این کشورها خواهان تسریع روند کنار گذاشتن سوخت‌های فسیلی و افزایش چشمگیر کمک‌های مالی کشورهای صنعتی برای مقابله با آثار تغییرات اقلیمی و سازگاری با شرایط جدید هستند.

گروه دوم، کشورهای صنعتی غرب، به‌ویژه اتحادیه اروپا، بریتانیا، نروژ و کانادا بودند که عموماً از هدف خروج از سوخت‌های فسیلی حمایت می‌کنند، اما به دلیل محدودیت‌های بودجه‌ای و شرایط اقتصادی، تمایلی به افزایش تعهدات مالی خود ندارند.

گروه سوم شامل قدرت‌های نوظهور و کشورهای وابسته به صادرات انرژی‌های فسیلی، از جمله عربستان سعودی، دیگر کشورهای خلیج فارس، روسیه و هند است.
این کشورها از افزایش کمک‌های مالی به کشورهای فقیر حمایت می‌کنند، اما با تعهد روشن به کنار گذاشتن نفت، گاز و زغال‌سنگ مخالفت دارند؛ زیرا این منابع همچنان نقش مهمی در اقتصاد و درآمدهای صادراتی آن‌ها ایفا می‌کنند.
ایران هم گرچه با توجه تحریم‌ها، سوء مدیریت و سکته‌ای که در توسعه‌اش پدید آمده جزو قدرت‌های نوظهور به حساب نمی‌آید، ولی به لحاظ مواضع در همین گروه هست .

ایران که همچنان بند ناف اقتصادش کماکان ولو با شدتی کمتر از سابق، به نفت وابسته است، در این اجلاس بیش از آنکه برنامه‌ای مشخص برای کاهش وابستگی به نفت و گاز ارائه کند، بر سه موضوع تأکید داشت؛ مسئولیت زیست‌محیطی آمریکا و اسرائیل در قبال دو جنگ اخیر، حق کشورهای در حال توسعه برای تأمین مالی و توسعه اقتصادی، و پرهیز از تحمیل تعهدات اقلیمی "بدون توجه به تفاوت شرایط کشورها."

آمریکا برای دومین سال متوالی هیچ هیئت رسمی‌ای به اجلاس اعزام نکرد. این غیبت در پی خروج مجدد دولت ترامپ از توافق اقلیمی پاریس در سال ۲۰۲۵ بود.

این تصمیم اهمیت زیادی داشت، زیرا آمریکا پس از چین دومین تولیدکننده بزرگ گازهای گلخانه‌ای در جهان است و یکی از بازیگران اصلی در تأمین مالی برنامه‌های اقلیمی بین‌المللی به شمار می‌رود .

سیاست دولت ترامپ در داخل آمریکا بر گسترش تولید نفت، گاز و زغال‌سنگ و کاهش محدودیت‌های زیست‌محیطی استوار بوده است.

غیبت آمریکا صرفاً یک مسئله تشریفاتی نبود؛ بلکه نشانه عقب‌نشینی یکی از بزرگ‌ترین قدرت‌های اقتصادی و آلاینده جهان از مسئولیت‌پذیری چندجانبه در برابر بحران اقلیمی بود.

خروج از سوخت‌های فسیلی؛ بن‌بست اصلی مذاکرات

موضوع کنار گذاشتن زغال‌سنگ، نفت و گاز یکی از اصلی‌ترین محورهای اختلاف در آنتالیا بود. با وجود آنکه انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از مصرف سوخت‌های فسیلی مهم‌ترین عامل بحران اقلیمی به شمار می‌رود، توافق اقلیمی پاریس در سال ۲۰۱۵ به‌صراحت به ضرورت خروج از این منابع اشاره نکرده بود. تلاش برای گنجاندن تعهدی روشن در سند پایانی آنتالیا نیز با مقاومت عربستان سعودی، روسیه و هند ناکام ماند.

اتحادیه اروپا در نهایت حاضر نشد متنی را بپذیرد که در آن اشاره صریحی به خروج از سوخت‌های فسیلی وجود نداشته باشد. در مقابل، عربستان سعودی و دیگر کشورهای عربی، اروپایی‌ها را به انعطاف‌ناپذیری در موضوعات دیگری، از جمله تأمین مالی اقلیمی و تعرفه کربنی اروپا، متهم کردند.

اختلاف دیگری نیز بر سر فناوری جذب و ذخیره‌سازی کربن (CCS) شکل گرفت. کشورهای خلیج فارس در روزهای پایانی مذاکرات بر نقش این فناوری به‌عنوان راهکاری برای مقابله با گرمایش زمین تأکید کردند؛ فناوری‌ای که امکان جذب دی‌اکسید کربن و ذخیره‌سازی زیرزمینی آن را فراهم می‌کند. اما مخالفان هشدار دادند که اتکا به این روش نباید بهانه‌ای برای ادامه مصرف سوخت‌های فسیلی باشد.
ویکه هوکسترا، کمیسر اقلیم اتحادیه اروپا، این رویکرد را تلاشی برای حل مسئله بدون کنار گذاشتن عامل اصلی آن دانست. برخی گزارش‌ها همچنین حاکی از آن بود که کشورهای خلیج فارس حتی خواستار بازنگری در هدف محدود کردن گرمایش زمین به ۱.۵ درجه سانتی‌گراد شده‌اند؛ هدفی که در توافق پاریس تعیین شده است.

شکاف مالی میان شمال و جنوب

در کنار اختلاف بر سر سوخت‌های فسیلی، تأمین مالی کشورهای آسیب‌پذیر یکی از مهم‌ترین عوامل شکست مذاکرات بود. کشورهای در حال توسعه خواهان افزایش منابع مالی برای سازگاری با تغییرات اقلیمی، حفاظت از سواحل، مقابله با خشکسالی و جبران خسارت‌های ناشی از بلایای طبیعی هستند. بر اساس گزارش سازمان امدادی «نان برای جهان»، کشورهای آفریقایی خواستار افزایش منابع مالی از حدود ۴۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۵ به ۱۲۰ میلیارد دلار شده بودند؛ مطالبه‌ای که به گفته این سازمان، از سوی کشورهای صنعتی، به‌ویژه اتحادیه اروپا و آلمان، از دستور مذاکرات آنتالیا کنار گذاشته و به سال آینده موکول شد.

اتحادیه اروپا در برابر این درخواست‌ها تأکید کرد که با توجه به محدودیت‌های بودجه‌ای کشورهای عضو، امکان تعهدات مالی تازه وجود ندارد. ویکه هوکسترا، کمیسر اقلیم اتحادیه اروپا، حتی پیش از آغاز کنفرانس اعلام کرده بود که اروپا قصد ندارد تعهد مالی جدیدی بپذیرد. مقام‌های اروپایی همچنین یادآوری می‌کردند

که این اتحادیه با پرداخت سالانه ۳۲.۳ میلیارد یورو، بزرگ‌ترین تأمین‌کننده منابع مالی بین‌المللی اقلیمی است.

اما این استدلال برای کشورهای فقیر قانع‌کننده نبود. آن‌ها تأکید داشتند که مسئولیت تاریخی کشورهای صنعتی در ایجاد بحران اقلیمی باید در تعهدات مالی آن‌ها نیز بازتاب پیدا کند. افزون بر این، مسئله فقط میزان پول نیست؛ کشورهای آسیب‌پذیر به تعهداتی روشن، قابل پیش‌بینی و قابل اتکا نیاز دارند تا بتوانند پروژه‌های بلندمدتی مانند ساخت تأسیسات حفاظت از سواحل را برنامه‌ریزی کنند. به گفته کارشناسان اقلیمی، نمی‌توان چنین طرح‌هایی را یک‌شبه اجرا کرد و دولت‌ها باید از منابع مالی آینده خود اطمینان داشته باشند.

این اختلاف، شکافی سیاسی نیز ایجاد کرد. اتحادیه اروپا برای پیشبرد هدف خروج از سوخت‌های فسیلی به حمایت کشورهای آفریقایی و دیگر کشورهای در حال توسعه نیاز دارد، اما خودداری از ارائه تعهدات مالی تازه، اعتماد بسیاری از این کشورها را تضعیف کرده است. منتقدان می‌گویند اروپا از دیگران می‌خواهد برنامه‌های مشخصی برای کنار گذاشتن سوخت‌های فسیلی ارائه کنند، اما حاضر نیست منابع لازم برای این گذار را در اختیار کشورهای فقیر قرار دهد.

ائتلاف‌های تازه و دستاوردهای محدود

با وجود ناکامی در تصویب سند نهایی، کنفرانس آنتالیا به شکل‌گیری یا تقویت ائتلاف‌هایی خارج از چارچوب رسمی مذاکرات نیز کمک کرد. یکی از مهم‌ترین این ابتکارها، ائتلافی متشکل از حدود ۳۰ کشور، عمدتاً از جنوب جهان، برای دستیابی به یک توافق الزام‌آور بین‌المللی درباره خروج از سوخت‌های فسیلی است. سنت وینسنت و گرنادین‌ها، پاناما، گواتمالا، غنا و کنیا در جریان کنفرانس به این ائتلاف پیوستند. اعضای آن شکست مذاکرات آنتالیا را نشانه‌ای از ضرورت تدوین پیمانی مستقل برای کنار گذاشتن نفت، گاز و زغال‌سنگ می‌دانند. قرار است ده‌ها کشور در ماه ژوئیه در کشور جزیره‌ای تووالو نیز برای بررسی عملی این روند گرد هم آیند.

ابتکار دیگر، حمایت ده‌ها کشور از پیشنهاد ترکیه برای افزایش سهم برق در مصرف نهایی انرژی جهان از ۲۳ درصد کنونی به ۳۵ درصد است. تحقق این هدف به معنای گسترش خودروهای برقی به‌جای خودروهای بنزینی و استفاده بیشتر از پمپ‌های حرارتی به‌جای سامانه‌های گرمایشی مبتنی بر نفت و گاز خواهد بود. با این حال، اختلاف بر سر نقش انرژی‌های تجدیدپذیر در این روند باقی ماند. برقی‌سازی زمانی به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای کمک می‌کند که برق مورد نیاز از منابع پاک تولید شود، نه از زغال‌سنگ، نفت و گاز؛ موضوعی که ترکیه خود تمایلی به پذیرش تعهد صریح درباره آن نشان نداد.

در ابتکار دیگری اتحادیه اروپا و ۱۲ کشور دیگر توافق کردند برای محدود کردن انتشار گاز هگزافلوراید گوگرد (SF6)تلاش بیشتری انجام دهند. این گاز در تجهیزات شبکه‌های برق به‌عنوان عایق و عامل خاموش‌کننده قوس الکتریکی به کار می‌رود و اثر گلخانه‌ای آن بسیار بیشتر از دی‌اکسید کربن است، هرچند میزان حضورش در جو بسیار کمتر است. با وجود این، جایگزین‌هایی برای کاربردهای آن در دسترس قرار گرفته‌اند.



چشم‌انداز مبهم؛ فرصت بعدی در آدیس‌آبابا

در کنار این ابتکارها، بخش دیگری از تصمیم‌های کنفرانس به تعویق انداختن مذاکرات و بررسی موضوعات در سال آینده محدود شد. در این میان، ناکامی در دستیابی به توافقی تازه برای مقابله با گرمایش زمین، در شرایطی رخ داد که هدف محدود کردن افزایش دمای جهانی به ۱.۵ درجه سانتی‌گراد نسبت به دوران پیشاصنعتی عملاً از دسترس خارج

شده است. کشورها در آنتالیا می‌خواستند درباره ضرورت به حداقل رساندن مدت و میزان عبور از این آستانه نیز به تفاهم برسند، اما اختلاف‌ها مانع آن شد.

اکنون نگاه‌ها به کنفرانس بعدی اقلیمی در پایان سال ۲۰۲۷ در آدیس‌آبابا، پایتخت اتیوپی، دوخته شده است. با این حال، بعید است اختلاف‌های اصلی به‌سادگی برطرف شوند. کشورهای در حال توسعه بار دیگر از اروپا خواهند پرسید چه میزان منابع مالی در اختیارشان قرار خواهد گرفت و این منابع از چه زمانی و با چه سازوکاری پرداخت می‌شوند.
شکست آنتالیا نشان داد که بحران اقلیمی دیگر فقط مسئله‌ای علمی یا زیست‌محیطی نیست؛ بلکه به عرصه‌ای برای رویارویی منافع اقتصادی، مسئولیت تاریخی، رقابت‌های سیاسی و اعتماد میان کشورهای ثروتمند و فقیر تبدیل شده است. بدون توافق بر سر دو موضوع به‌هم‌پیوسته، یعنی خروج واقعی از سوخت‌های فسیلی و تأمین مالی عادلانه گذار اقلیمی، دستیابی به تعهدات جهانی مؤثر همچنان دشوار خواهد بود.

منبع: فیسبوک نویسنده

امضای توافق‌نامه همکاری انرژی پاک میان چهار کشور در حاشیه COP31



در حاشیه کاپ ۳۱ در آنتالیا، وزرای انرژی جمهوری آذربایجان، بلغارستان، گرجستان و ترکیه توافق‌نامه‌ای راهبردی برای توسعه کریدور برق سبز و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای در حوزه انرژی پاک امضا کردند.

این توافق با هدف تسهیل انتقال برق تجدیدپذیر از جمهوری آذربایجان به ترکیه و بازارهای اروپا، افزایش ظرفیت تبادلات انرژی و تنوع‌بخشی به مسیرهای انتقال برق منعقد شده است. بر اساس گزارش رسانه‌های گرجستان، ظرفیت انتقال برق این کریدور بین ۲ تا ۳ گیگاوات برآورد می‌شود.

همچنین ترکیه و عربستان سعودی توافق کردند در مرحله دوم همکاری‌های خود، با مشارکت شرکت ACWA Power، حدود ۳ گیگاوات ظرفیت جدید انرژی تجدیدپذیر با محوریت نیروگاه‌های بادی، خطوط انتقال HVDC و سامانه‌های ذخیره‌سازی باتری (BESS) توسعه دهند.

این توافق‌ها گامی در جهت گسترش تجارت منطقه‌ای برق پاک، توسعه زیرساخت‌های انتقال انرژی و افزایش سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر و ذخیره‌سازی محسوب می‌شوند.

منبع: انجمن انرژیهای تجدید پذیر ایران

از تعهد اقلیمی تا اقدام واقعی؛ چالش اصلی COP31 چیست؟

در کنفرانس‌های اقلیمی، اعلام اهداف و انتشار بیانیه‌ها بخش مهمی از مذاکرات است؛ اما معیار واقعی پیشرفت، میزان اجرای این تعهدات خواهد بود.

سه پرسش اساسی در مذاکرات امسال مطرح است:

۱. آیا کشورها حاضرند برای کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی، برنامه‌های اجرایی مشخص ارائه کنند؟

۲. منابع مالی موردنیاز کشورهای آسیب‌پذیر در برابر تغییرات اقلیمی چگونه و از چه مسیری تأمین خواهد شد؟

۳. چه سازوکاری برای سنجش میزان تحقق تعهدات کشورها وجود خواهد داشت؟

واقعیت این است که فاصله میان اهداف اعلام‌شده و اقدامات عملی همچنان یکی از مهم‌ترین چالش‌های حکمرانی اقلیم در جهان است. منبع: زیستا

Enviromental Bulletin



بولتن محیط زیست

November 23. 2026-No 87 شماره ۸۶ دوشنبه ۲ آذر۱۴۰۵

حزب چپ ترکیه و کاپ۳۱

حزب چپ ترکیه (SOL Parti Türkiye) در آستانه و همزمان با برگزاری کاپ ۳۱ بیانیه‌ای انتقادی منتشر کرد. این حزب معتقد است که کنفرانس اقلیمی سازمان ملل در چارچوب منافع سرمایه‌داری جهانی و قدرت‌های امپریالیستی شکل گرفته و قادر به حل ریشه‌ای بحران اقلیم نیست. این بیانیه تاکید دارد:

ـ بحران اقلیمی محصول نظام سرمایه‌داری و الگوی توسعه مبتنی بر سود است و نمی‌توان انتظار داشت همان نیروهایی که مسبب بحران هستند راه‌حل واقعی آن را ارائه کنند.

ـ حزب چپ، پروژه‌های «گذار سبز» را در بسیاری موارد ابزاری برای ایجاد عرصه‌های جدید انباشت سرمایه و بهره‌برداری اقتصادی توصیف می‌کند.

ـ در بیانیه تأکید شده است که هزینه‌های بحران اقلیمی و تخریب زیست‌محیطی عمدتاً بر دوش کارگران، کشاورزان و اقشار فرودست قرار می‌گیرد.

ـ از حضور شرکت‌های بزرگ ترکیه‌ای مانند «جنگیز» و «لیماک» در میان حامیان و اسپانسرهای کاپ۳۱ انتقاد کرده و این موضوع را نشانه‌ای از «چهره واقعی» اجلاس دانسته است.

ـ این حزب دولت حزب عدالت و توسعه (AKP) را متهم می‌کند که از کاپ ۳۱ برای "سبزشویی" (Greenwashing) سیاست‌های خود و مشروعیت بخشی به پروژه‌های اقتصادی و عمرانی استفاده می‌کند.

ـ بیانیه به حضور شرکت‌هایی مانند Cengiz و Limak در میان حامیان اجلاس اشاره می‌کند و آن را شاهدی بر ماهیت واقعی کنفرانس می‌داند.

ـ بیانیه می‌گوید کاپ ۳۱ علی‌رغم ادعای مقابله با بحران اقلیمی، تحت نفوذ قدرت‌های امپریالیستی و سرمایه جهانی قرار دارد. از نگاه این حزب، سازوکارهای رسمی سازمان ملل قادر نیستند تضاد میان سود سرمایه و حفاظت از محیط زیست را حل کنند. حزب چپ ترکیه استدلال می‌کند که «عدالت اقلیمی» از مبارزه برای استقلال، برابری و مقابله با سرمایه‌داری و امپریالیسم جدا نیست.

همزمان حزب چپ ترکیه از فعالان محیط زیست، کارگران، کشاورزان و مدافعان منابع طبیعی دعوت کرد در "فروم عدالت اقلیمی " و راهپیمایی مرتبط با آن در آنتالیا شرکت کنند و مبارزه برای سیاست‌های عمومی و مردمی در حوزه اقلیم را گسترش دهند . بیانیه حزب چپ ایران نمونه‌ای از یک رویکرد اکوسوسیالیستی ضدامپریالیستی است. چهار مؤلفه مرکزی این رویکرد عبارتند از:

ـ بحران اقلیم محصول سرمایه‌داری است.

ـ گذار سبز موجود شکل جدیدی از انباشت سرمایه است.
ـ عدالت اقلیمی بدون عدالت طبقاتی ممکن نیست.
ـ راه‌حل در سازماندهی مردمی و سیاست‌های عمومی دموکراتیک نهفته است .
از نظر نظری، این بیانیه بیش از آنکه به رویکردهای لیبرالِ حاکم بر مذاکرات اقلیمی نزدیک باشد، به سنت فکری و جریان اکوسوسیالیسم معاصر نزدیک است.

* منظور از "سبزشوئی" Greenwashing این است که شرکت‌هایی که متهم به تخریب محیط زیست هستند، همزمان خود را حامی توسعه پایدار معرفی می‌کنند . در نظریات انتقادی، این وضعیت بخشی از راهبرد مشروعیت‌بخشی سرمایه تلقی می‌شود.

گزارش از بولتن -منبع: سایت حزب چپ ترکیه
https://solparti.org



بولتن محیط زیست



Enviromental Bulletin

دوشنبه ۲ آذر۱۴۰۵ شماره ۸۶ November 23. 2026-No 87

اخبار محیط زیست ایران

با هدف ارتقای آگاهی‌های زیست‌محیطی؛



برنامه‌های آموزشی موزه تنوع زیستی چهارمحال‌وبختیاری توسعه یافت. موزه تاریخ طبیعی و تنوع زیستی چهارمحال‌وبختیاری با هدف آشناسازی اقشار مختلف جامعه به‌ویژه نسل جوان با میراث طبیعی منطقه، برنامه‌های بازدید تخصصی و آموزشی خود را گسترش داده است. این مراکز با بهره‌گیری از کارشناسان، اهمیت پایش اکوسیستم‌ها و نقش تنوع زیستی را ترویج می‌کنند. منبع: پیام ما

آلودگی هوا بازهم فوتبال را ممنوع کرد

با توجه به استمراز آلودگی هوا در استان تهران و الزام به ممنوعیت فعالیت ورزشی در روز سه شنبه مورخ بیست و ششم آبان ماه سال ۱۴۰۵، هیات فوتبال استان تهران نیز برگزاری هرگونه تمرین یا مسابقه را در این روز ممنوع اعلام می کند. منبع: سایت ورزش

سهم وسایل نقلیه در آلودگی هوا ۴۲ درصد است!

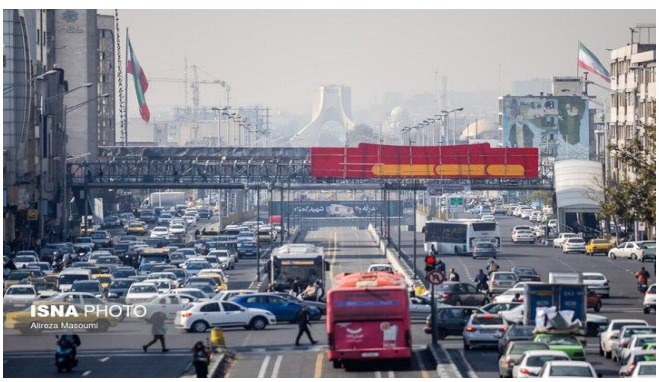

به گزارش ایسنا، قاسم فدوی مدیر کل استاندارد استان تهران در جمع خبرنگاران در پاسخ به سوال خبرنگار ایسنا درباره نقش کیفیت سوخت و همچنین سهم صنایع و نیروگاه‌ها در آلودگی هوا توضیح داد: سازمان ملی استاندارد وظیفه پایش کیفیت استاندارد سوخت و نظارت بر شرکت‌های تایید صلاحیت شده را بر عهده دارد و آمارهای غیررسمی نشان می‌دهد که سهم وسایل نقلیه سیار در آلودگی از ۵۰ درصد به ۴۲ درصد کاهش یافته که می‌تواند ناشی از بهبود کیفیت سوخت باشد. وی افزود: آلودگی هوای تهران صرفا مربوط به بنزین نیست، تعداد بالای موتورسیکلت‌ها، خودروهای فرسوده، وسایل گرمایشی در فصل سرد و شرایط اقلیمی تهران همگی موثر هستند و در روزهای آلوده، نیروگاه‌ها مجاز به استفاده از مازوت نیستند و باید از گاز استفاده کنند.

منبع: سایت ایسنا

حدود ۴۰ تا ۴۵ درصد درختان سرخه‌حصار خشک شده‌اند؛



خشک‌شدن درختان پارک‌های جنگلی تهران در ماه‌های اخیر بارها خبرساز شده است؛ از چیتگر در غرب پایتخت تا سرخه‌حصار در شرق. اکنون یکی از مقام‌های سازمان بوستان‌های تهران می‌گوید که حدود ۴۰ تا ۴۵ درصد درختان سرخه‌حصار خشک شده‌اند؛ آماری که بار دیگر نگرانی‌ها درباره وضعیت جنگل‌کاری‌های قدیمی پایتخت و نحوه نگهداری از آنها را افزایش داده است.

در گزارش‌های منتشرشده، از خشک‌شدن حدود ۳۵ هزار درخت و قطع نزدیک به ۲۵ هزار درخت سخن گفته

شد؛ دو آمار متفاوت که یکی به خشکیدگی درختان و دیگری به قطع آنها اشاره دارد.موضوع چیتگر به پیگیری قضایی نیز کشیده شد. سخنگوی قوه قضاییه روز ۱۲ آبان از بررسی وضعیت حدود ۲۵ هزار درخت خشک‌شده در این بوستان و ورود دادستانی تهران به موضوع خبر داد. منبع: بی بی سی

چرا گزارش نیویورک‌تایمز درباره سدهای ایران جنجالی شد؟



گزارشی در نیویورک‌تایمز درباره احتمال ارتباط شماری از سدهای ایران با تاسیسات زیرزمینی موشکی، موج گسترده‌ای از واکنش‌ها را در شبکه‌های اجتماعی و محافل سیاسی و دانشگاهی برانگیخته است.

این مقاله با مقایسه نقشه سدهای ایران و محل حملات آمریکا و اسرائیل به مراکز مشکوکی نظامی، این فرضیه را مطرح کرده است که برخی پروژه‌های آبی ایران ممکن است برای پشتیبانی از برنامه موشکی این کشور ساخته شده باشند.

انتشار مقاله، به ویژه در شرایطی که احتمال ازسرگیری تنش‌های نظامی همچنان مطرح است، با اعتراض‌های گسترده‌ای همراه شده است.

شماری از پژوهشگران، از جمله کارشناسانی که خود در گزارش از آنها نقل قول شده، به شواهد و استدلال آن ایراد گرفته‌اند. گروهی از منتقدان نیز هشدار داده‌اند که طرح چنین فرضیه‌ای ممکن است به توجیه حمله به زیرساخت‌های غیرنظامی کمک کند. در مقابل، برخی تحلیلگران نظامی بررسی ارتباط احتمالی پروژه‌های آبی با تاسیسات موشکی را موضوعی مهم و قابل توجه دانسته‌اند، هرچند درباره اثبات چنین ارتباطی اتفاق نظر وجود ندارد.

دامنه واکنش‌ها به اندازه‌ای گسترش یافت که نیویورک‌تایمز با انتشار بیانیه‌ای رسمی به انتقادها پاسخ داد. این روزنامه بر دقت نقل پژوهش‌ها و تحلیل‌های کارشناسان تاکید کرد و اتهام زمینه‌سازی برای خشونت را رد کرد.

مقام‌های جمهوری اسلامی گزارش را تلاشی برای فراهم کردن توجیه حملات احتمالی بعدی آمریکا و اسرائیل خوانده‌اند و واکنش برخی از آنها تا تهدید حمله متقابل به زیرساخت‌های کشورهای دیگر پیش رفته است.

در این بحث سابقه دو گزارش بحث‌برانگیز نیویورک‌تایمز در دهه‌های گذشته نیز مطرح شده است؛ یکی درباره استفاده نظامی احتمالی از شبکه آب‌رسانی لیبی در سال ۱۹۹۷ و دیگری درباره ادعاهای مربوط به تسلیحات کشتار جمعی عراق در آستانه جنگ سال ۲۰۰۳. اما گزارش نیویورک‌تایمز دقیقا چه می‌گوید، شواهد آن چیست و منتقدان آن چه استدلال‌هایی مطرح می‌کنند؟

نیویورک‌تایمز چه نوشته است؟

مقاله نیویورک‌تایمز روز ۱۶ نوامبر ۲۰۲۶، به قلم صنم ماحوزی و اریکا سولومون، با این عنوان منتشر شد: «جنگ شاید معمای دیرینه سدهای ایران را که بدون دلیل روشنی ساخته شده‌اند، حل کند».

نویسندگان مقاله می‌گویند ساخت شمار زیادی سد و طرح انتقال آب در چند دهه گذشته، به ویژه در مناطقی که به گفته برخی پژوهشگران ضرورت احداث چنین تاسیساتی در آنها روشن نبوده، پرسش‌هایی را درباره دلایل اجرای این پروژه‌ها ایجاد کرده است. به نوشته مقاله، حملات آمریکا و اسرائیل به مراکز مشکوک نظامی، توجه بعضی تحلیلگران را به احتمال ارتباط این پروژه‌ها با برنامه موشکی ایران جلب کرده است.

نیما شکری، پژوهشگر امنیت آب در دانشگاه فنی هامبورگ، به نیویورک‌تایمز گفته است که او و همکارانش در پژوهش‌های خود دست‌کم ۵۳۳ سد را در ایران شناسایی کرده‌اند. به نوشته خبرنگاران

روزنامه، الگوی پراکندگی محل حملات هوایی، به شکل نیم‌دایره‌ای از شمال تا جنوب، تقریبا با نقشه‌ای که آقای شکری از محل سدها تهیه کرده بود، مطابقت داشت.

نیویورک‌تایمز همچنین به نقل از نیما شکری نوشته است که بسیاری از سدهای ایران کارکردهای ضروری غیرنظامی، از جمله تامین آب، آبیاری و تولید برق دارند. او تاکید کرده است که «هرگونه نقش نظامی احتمالی نباید این کارکردها را تحت‌الشعاع قرار دهد».

گزارش نیویورک‌تایمز سپس به نیازهای مجموعه‌های زیرزمینی موسوم به «شهرهای موشکی» می‌پردازد؛ تاسیساتی در دل کوه که برای نگهداری، استقرار و تولید موشک و پهپاد به کار می‌روند. فرزین ندیمی، پژوهشگر ارشد موسسه واشنگتن، در گفت‌وگو با روزنامه شمار این مراکز را دست‌کم ۳۰ مورد برآورد کرده است.

دنی سیترینوویچ، تحلیلگر پیشین اطلاعات نظامی اسرائیل، نیز به نیویورک‌تایمز گفته است: «ایران انگیزه قوی دارد که مطمئن شود مجتمع‌های موشکی‌اش برای تامین خدمات ضروری به زیرساخت‌های عمومی کشور وابسته نیستند.» او استفاده از منابع مستقل یا پشتیبان آب و برق را راهی برای حفظ «تداوم عملیاتی» این مراکز خوانده است. امیر آقاکوچک، پژوهشگر دانشگاه کالیفرنیا در ارواین، به نیویورک‌تایمز گفته است که مدت‌ها درباره ضرورت اجرای طرح بزرگ انتقال آب از زاگرس به یزد پرسش داشته است. به نوشته روزنامه، پس از حملات هوایی ماه مارس به منطقه یزد،

گزارش‌هایی، از جمله در فایننشال‌تایمز، درباره وجود یک تاسیسات بزرگ موشکی در آن منطقه منتشر شد. آقای آقاکوچک گفته است پس از آن، این احتمال برایش مطرح شد که «ملاحظات نظامی، دست‌کم تا حدی، در اجرای طرح انتقال آب نقش داشته‌اند». نمونه دیگر، منطقه حفاظت‌شده طارم در هرمزگان است که به نوشته روزنامه، در حمله هوایی آمریکا در ۱۴ ژوئیه ۲۰۲۶، خانواده یک محیط‌بان محلی در آن کشته شدند. ارتش آمریکا گفته بود زیرساخت‌های نظامی و دفاع ساحلی را هدف گرفته است. مقاله سپس به بازداشت شماری از فعالان محیط زیست در سال ۱۳۹۶ می‌پردازد. سازمان اطلاعات سپاه این افراد را به اتهام جاسوسی بازداشت کرد. کاووس سیدامامی، از بنیان‌گذاران موسسه میراث حیات وحش پارسیان، در بازداشت جان باخت و چند تن دیگر از اعضای این موسسه که سال‌ها زندانی بودند، بعدها گفتند در دوران بازداشت شکنجه شده و مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند.

نیویورک‌تایمز درباره بازداشت اعضای موسسه میراث حیات وحش پارسیان می‌نویسد:

«اما برخی فعالان محیط زیست گفته‌اند اکنون گمان می‌کنند که فعالان حفاظت از حیات وحش ممکن است به طور اتفاقی به تاسیسات نظامی حساس برخورد کرده باشند.»نویسندگان مقاله درباره ارتباط احتمالی سدها با تاسیسات موشکی نیز تصریح کرده‌اند که «با توجه به محرمانه بودن برنامه موشکی ایران، هرگونه ارتباط میان آن و برنامه چند دهه‌ای توسعه زیرساخت‌های آبی کشور همچنان در حد گمانه‌زنی است». با این حال مقاله می‌گوید برخی کارشناسان این شواهد را نشانه‌ای قوی از وجود چنین ارتباطی می‌دانند. در گزارش، شواهد مستقلی مبنی بر ساخت سدی مشخص با هدف پشتیبانی از یک پایگاه موشکی ارائه نشده است.

واکنش کارشناسان و بحث کاربران در شبکه‌های اجتماعی

کاوه مدنی، مدیر موسسه آب، محیط زیست و سلامت دانشگاه سازمان ملل متحد و معاون پیشین سازمان حفاظت محیط زیست ایران که در مقاله نیویورک‌تایمز از او نقل قول شده، از نخستین منتقدان این گزارش بود.



آقای مدنی در ایکس نوشت: «حدس و گمان، مدرک نیست. نزدیکی جغرافیایی دو متغیر، دلیلی بر وجود رابطه علت و معلولی (بین آنها) نیست.» او روایت مقاله را «تقلیل‌گرایانه و جنجال‌آفرین» و «مصداق روزنامه‌نگاری غیرمسئولانه» خواند که «می‌تواند پیامدهای خطرناکی برای زیرساخت‌های غیرنظامی آب داشته باشد». آقای مدنی همچنین تاکید کرد که هرچند در گزارش نیویورک‌تایمز از او نقل‌قول شده، اظهاراتش «هیچ ارتباطی با سدها یا موشک‌ها نداشته است».

آقای مدنی در مقاله‌ای در فوربس نیز توضیح داد که گسترش سدسازی در ایران دلایل شناخته‌شده‌ای دارد: سیاست‌های توسعه‌ای، مدیریت ناکارآمد منابع آب و منافع پیمانکاران. به نوشته او، سدها و تاسیسات زیرزمینی نظامی هر دو ممکن است بنا بر مقتضیات مهندسی در کوهستان ساخته شوند و برای اثبات ارتباط میان آنها به تحلیل جغرافیایی و شواهد تاریخی نیاز است. نیما شکری هم پس از انتشار گزارش در ایکس نوشت: «نزدیکی سدها به اهداف نظامی نشان نمی‌دهد چرا آن سدها ساخته شده‌اند و حمله به آنها را هم توجیه نمی‌کند.» او تصریح کرد: «مقاله نیویورک‌تایمز از حمله به سدها یا زیرساخت‌های آبی حمایت نمی‌کند.» امیر آقاکوچک نیز با توضیحات او موافقت و بر حفاظت از تاسیسات آبی تاکید کرد.

دنی سیترینوویچ نیز که در گزارش نیویورک‌تایمز از او نقل قول شده، پس از انتشار آن در ایکس نوشت «ارتباط مستقیم پروژه‌های سدسازی ایران با تاسیسات زیرزمینی موشکی این کشور هنوز به طور قطعی اثبات نشده است»، اما افزود که تامین مستقل آب و برق برای این تاسیسات «کاملا با تفکر راهبردی ایران سازگار است». در کنار واکنش کارشناسان، بحث‌های کاربران شبکه‌های اجتماعی نیز عمدتا حول دو محور شکل گرفت: اعتبار شواهد گزارش و نگرانی از پیامدهای احتمالی آن برای غیرنظامیان در ایران.

یکی از کاربران در پاسخ به بیانیه رسمی نیویورک‌تایمز در ایکس نوشت: «آب و برق ایران متعلق به مردم آن است، نه حکومتش.» او این سوال را مطرح کرد که آیا صرف نزدیکی بعضی سدها به تاسیسات موشکی، آنها را به اهداف نظامی تبدیل می‌کند.

کاربر دیگری با انتقاد از نحوه پاسخ روزنامه، پرسید چرا نیویورک‌تایمز در معرفی مخالفان مقاله، «مقام‌های ایرانی و دیگران» را در کنار یکدیگر قرار داده است؛ عبارتی که به گفته او منتقدان مستقل را با مقام‌های جمهوری اسلامی همراه جلوه می‌دهد.

در مقابل، برخی کاربران از انتشار گزارش حمایت کردند. یکی از آنها در واکنش به حساب رسمی نیویورک‌تایمز نوشت: «این نخستین بار بود که گزارش خوبی از نیویورک‌تایمز منتشر شد.» او با اشاره به آنچه «سابقه پنهان‌کاری» جمهوری اسلامی خواند، این احتمال را مطرح کرد که حکومت تاسیسات نظامی خود را در نزدیکی زیرساخت‌های غیرنظامی قرار داده باشد. در میان کاربران منتقد نیز دیدگاه‌ها یکسان نبود. بعضی خواهان پس گرفتن مقاله و عذرخواهی روزنامه شدند و بعضی دیگر بر انتشار شواهد بیشتر و بررسی علمی فرضیه تاکید کردند.

واکنش مقام‌های جمهوری اسلامی



مقام‌های جمهوری اسلامی گزارش نیویورک‌تایمز را با احتمال ازسرگیری حملات آمریکا و اسرائیل مرتبط دانستند. عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، این مقاله و گزارشی جداگانه از سی‌ان‌ان درباره احتمال استفاده ایران از «بمب کثیف» یا سلاح شیمیایی در واشنگتن را «مزخرف محض» خواند و نوشت: «دست از این تبلیغات دروغین به سبک جنگ با عراق بردارید؛ به ویژه وقتی ردپای اسرائیل در تمام این ماجرا آشکار است. هیچ‌کس این ادعاها را باور نمی‌کند.»

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه، در ایکس ادعای ارتباط سدهای ایران با پایگاه‌های موشکی را

بولتن محیط زیست



Enviromental Bulletin

دوشنبه ۲ آذر۱۴۰۵ شماره ۸۶ November 23. 2026-No 87

«بی‌اساس» خواند و گفت این ادعا با هدف ساختن «دستاویزی تبلیغاتی و امنیتی» برای «توجیه تعرض به زیرساخت‌های حیاتی یک کشور» مطرح شده است.

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس، در شبکه ایکس نوشت: «در حال زمینه‌چینی برای دور بعدی حملات به زیرساخت‌های غیرنظامی، کارشناسان آنها به نیویورک‌تایمز می‌گویند سدهای نزدیک به سایت‌های موشکی ایران، کاربری دوگانه دارند.»او سپس افزود: «بسیار خب، قانون جدید:

هر سد، بندر یا نیروگاهی که در نزدیکی یک پایگاه آمریکایی یا اسرائیلی قرار دارد، دارای کاربری دوگانه است. ما فقط منطق خودتان را به همان شکل و بدون دخل و تصرف به کار می‌بریم.» در رسانه‌های نزدیک به حکومت نیز واکنش‌ها از انتقاد به مقاله فراتر رفت. روزنامه کیهان، در مطلبی با عنوان «بعد از مدرسه و بیمارستان، نوبت به سدها رسید»، گزارش نیویورک‌تایمز را بخشی از یک «عملیات روانی پیچیده و چندلایه» خواند که «به دنبال توجیه و عادی‌سازی حمله به زیرساخت‌های حیاتی کشور در جنگ آتی» است.

این روزنامه هشدار داد که در صورت چنین حمله‌ای، نیروهای مسلح ایران زیرساخت‌های آمریکا و متحدانش در منطقه را هدف قرار خواهند داد.

واکنش نیویورک‌تایمز به انتقادها چه بود؟

نیویورک‌تایمز روز ۱۷ نوامبر، پس از گسترش اعتراض‌ها، بیانیه‌ای از نیکول تیلور، سخنگوی روزنامه، در حساب رسمی روابط عمومی خود در ایکس منتشر کرد. در این بیانیه آمده است: «گزارش ما درباره سدهای ایران، پژوهش‌ها و تحلیل‌های هفت کارشناس بین‌المللی درباره محیط زیست ایران و حضور نظامی در این کشور را به درستی نقل کرده است.»

سخنگوی روزنامه گفت: «خبرنگاران ما شناخت عمیق‌تری از سرمایه‌گذاری ایران در زیرساخت‌ها و آثار حملات آمریکا و اسرائیل بر غیرنظامیان در اختیار خوانندگان قرار داده‌اند.» او افزود: «جلوه دادن گزارشگری مستقل به عنوان دستاویزی برای خشونت خطرناک است.»روزنامه در این پاسخ بر دقت نقل قول‌ها و هدف گزارش تاکید و اتهام زمینه‌سازی برای خشونت را رد کرد، اما شواهد فنی تازه‌ای درباره ارتباط سدهای مشخص با مراکز موشکی ارائه نداد.

آقای مدنی در واکنش به بیانیه در ایکس پرسید هفت کارشناس مورد اشاره روزنامه دقیقا چه پژوهشی درباره این رابطه انجام داده‌اند.

صنم ماحوزی، یکی از نویسندگان، نیز در ایکس نوشت که به نظر می‌رسد بخشی از «حملات گسترده» به مقاله «ناشی از سوء برداشت از پیام اصلی گزارش» باشد و توضیح داد: «نه من و نه گزارش ما، حمله به سدها یا دیگر زیرساخت‌ها را تایید یا توجیه نمی‌کنیم.»

اسماعیل بقایی پس از انتشار پاسخ نیویورک‌تایمز گفت که از او برای مصاحبه دعوت شده، اما او این درخواست را نپذیرفته است. آقای بقایی در ایکس نوشت: «پاسخ نیویورک‌تایمز به انتقادها به جای عذرخواهی صریح و پذیرش مسئولیت، چیزی بیش از بازی با واژه‌ها و تلاش برای توجیه ادعای اولیه نبود.»

از لیبی تا عراق؛ دو سابقه بحث‌برانگیز



واکنش‌ها به مقاله تازه نیویورک‌تایمز، توجه‌ها را به گزارشی از همین روزنامه در سال ۱۹۹۷ جلب کرده است که در آن احتمال استفاده نظامی از شبکه عظیم آب‌رسانی «رود بزرگ دست‌ساز» لیبی مطرح شده بود. نیویورک‌تایمز در آن گزارش، با استناد به گفته‌های سه مهندس که نامشان فاش نشده بود، احتمال داده بود شبکه لوله‌های زیرزمینی برای انتقال مخفیانه نیروها و تجهیزات نظامی نیز استفاده شود. حتی

گمانه‌زنی درباره نگهداری تسلیحات شیمیایی در بخش‌هایی از این شبکه مطرح شده بود.

چهارده سال بعد، در جریان جنگ لیبی در سال ۲۰۱۱، اختلال در فعالیت این شبکه، تامین آب میلیون‌ها نفر را با مشکل روبه‌رو کرد. در ژوئیه همان سال، کارخانه تولید لوله‌های بتنی این پروژه در بریقه نیز در حمله هوایی آسیب دید. مقامهای لیبی از کشته شدن شش نگهبان خبر دادند. ناتو مدعی شد نیروهای قذافی از محوطه این کارخانه برای استقرار و شلیک راکت‌اندازها استفاده می‌کردند.

شبکه «رود بزرگ دست‌ساز» پیش از انتشار گزارش سال ۱۹۹۷ نیز آب شهرها و مناطق کشاورزی لیبی را تامین می‌کرد. در منابع عمومی، شواهد مستقلی که گمانه‌زنی آن گزارش درباره استفاده از شبکه آب‌رسانی برای انتقال مخفیانه نیروهای نظامی یا نگهداری تسلیحات شیمیایی را تایید کند، منتشر نشده است.

ناتو در سال ۲۰۱۱ مدعی استفاده نظامی از محوطه کارخانه تولید لوله‌های این پروژه شد، اما این ادعا به معنای اثبات کاربرد نظامی خود شبکه آب‌رسانی نبود.

سابقه بحث‌برانگیز دیگر نیویورک‌تایمز به گزارش‌های این روزنامه درباره برنامه تسلیحات کشتار جمعی عراق در آستانه حمله آمریکا در سال ۲۰۰۳ بازمی‌گردد. نیویورک‌تایمز در سپتامبر ۲۰۰۲، در گزارشی به نقل از مقامهای دولت وقت آمریکا نوشت که عراق برای خرید هزاران لوله آلومینیومی مخصوص تلاش کرده است؛ لوله‌هایی که به ادعای این مقامها برای ساخت سانتریفیوژهای غنی‌سازی اورانیوم در نظر گرفته شده بودند.

بررسی‌های پس از سقوط صدام حسین نیز ادعای استفاده هسته‌ای از آنها را تایید نکرد. گروه بررسی عراق، هیئتی به رهبری آمریکا که پس از سقوط صدام حسین مامور بررسی برنامه‌های تسلیحاتی این کشور شده بود، در گزارش نهایی خود در سال ۲۰۰۴ نتیجه گرفت که تلاش عراق برای خرید این لوله‌ها بیش از همه با برنامه تولید راکت‌های ۸۱ میلی‌متری توضیح‌پذیر بوده و گفت که شواهدی از برنامه ساخت سانتریفیوژ با استفاده از آنها به دست نیامده است.

نیویورک‌تایمز در ماه مه ۲۰۰۴، بیش از یک سال پس از آغاز جنگ عراق، به کاستی‌های پوشش خبری خود اذعان کرد و دبیران روزنامه در یادداشتی با عنوان «تایمز و عراق»، پذیرفتند که در مواردی، پوشش خبری این روزنامه درباره تسلیحات کشتار جمعی عراق «به اندازه‌ای که باید سخت‌گیرانه نبوده است».

حقوق بین‌الملل درباره سدها چه می‌گوید؟

بر اساس حقوق بین‌الملل جنگ، صرف نزدیکی یک سد به تاسیسات نظامی یا گمانه‌زنی درباره کاربرد نظامی آن، مجوز حمله نیست.

طبق ماده ۵۲ پروتکل اول الحاقی کنوانسیون‌های ژنو، یک تاسیسات زمانی می‌تواند هدف نظامی محسوب شود که به دلیل ماهیت، موقعیت، هدف یا نحوه استفاده، مشارکت موثری در عملیات نظامی داشته باشد و نابودی یا از کار انداختن آن، در شرایط زمان حمله، مزیت نظامی مشخصی به همراه آورد.

این ماده همچنین مقرر می‌کند که در صورت تردید درباره استفاده نظامی از تاسیساتی با کارکرد معمول غیرنظامی، باید فرض را بر چنین استفاده‌ای نگذاشت.

ماده ۵۶ این پروتکل برای سدها، سیل‌بندها و نیروگاه‌های هسته‌ای، به دلیل خطر آزاد شدن نیروهای خطرناک و تلفات شدید غیرنظامیان، حمایت ویژه‌ای در نظر گرفته است. درباره سدها، این حمایت تنها در صورتی می‌تواند لغو شود که سد به طور منظم، قابل توجه و مستقیم، برای مقاصدی غیر از کارکرد معمول خود، از عملیات نظامی پشتیبانی کند و حمله به آن تنها راه عملی برای متوقف کردن این پشتیبانی باشد.

ماده ۵۴ نیز از منابع آب آشامیدنی و تاسیسات آبیاری ضروری برای بقای غیرنظامیان حمایت می‌کند. ایران و آمریکا این پروتکل را امضا کرده‌اند، اما رسما به آن نپیوسته‌اند. با این حال، اصول بنیادین حقوق جنگ، از جمله تمایز میان اهداف نظامی و غیرنظامی، تناسب و احتیاط در حملات، بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی هستند و مستقل از عضویت در این پروتکل برای کشورها الزام‌آورند.

منبع: بی بی سی

Enviromental Bulletin



بولتن محیط زیست

November 23. 2026-No 87 شماره ۸۶ دوشنبه ۲ آذر۱۴۰۵

اخبار محیط زیست جهان

در هیاهوی این جهان سردرگم امروز روز جهانی توالت ۲۰۲۶ با شعار «توالت‌های ایمن. آینده‌ای برابر.» است



دسترسی به سرویس بهداشتی ایمن یک حق انسانی جهانی و پیش‌نیاز برابری جنسیتی است. کمپین روز جهانی توالت امسال، پیوند بین سرویس بهداشتی، برابری جنسیتی و توسعه پایدار را برجسته می‌کند.

با وجود پیشرفت در دهه گذشته، ۳.۴ میلیارد نفر در سراسر جهان هنوز به سرویس بهداشتی ایمن دسترسی ندارند و زنان و دختران به طور نامتناسبی تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

رسیدگی به بحران سرویس بهداشتی به چیزی بیش از سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها نیاز دارد. چندپارگی نهادی، تأمین مالی ناکافی، شکاف‌های حاکمیتی و نابرابری‌های جنسیتی مداوم همچنان مانع پیشرفت به سوی هدف ششم توسعه پایدار می‌شوند.

این چالش‌ها در ماموریت و استراتژی IWRA ۲۰۳۰ نقش محوری دارند. از طریق نشریات علمی، گروه‌های ویژه، کارآموزی تلاش می شود در حل این مشکلات کمک کنند.

منبع: سایت آب و جامعه

ربات ها در خدمت محیط زیست



ربات خودکاری که شب‌ها در مزرعه حرکت می‌کند. بدون مواد شیمیایی. بدون آفت‌کش. فقط نور فرابنفش، عوامل بیماری‌زا و آفات را در حالی که همه خواب هستند، از بین می‌برد. این همان چیزی است که کنترل آفات بدون مواد شیمیایی در مقیاس بزرگ گفته میشود.

منبع: سایت علم و تکنولوژی

یک کتاب: «دنیای جدید شجاع‌تر: کشورهایی که دست به کارهایی می‌زنند که دیگران شهامتش را ندارند»

عرفان ثابتی ـ سپهر عاطفی

چگونه با بحران پیریِ جمعیت و تنهاییِ سالمندان مواجه شده است؟ اتریش چگونه با بحران مسکن مقابله کرده است؟ تایوان چگونه موفق به ایجاد بهترین نظام سلامت در دنیا شده است؟ مراکش چگونه بحران وابستگی به سوخت‌های فسیلی را به فرصتی برای تحول در نظام انرژی‌اش تبدیل کرده است؟

Enviromental Bulletin



بولتن محیط زیست

November 23. 2026-No 87 شماره ۸۶ دوشنبه ۲ آذر۱۴۰۵

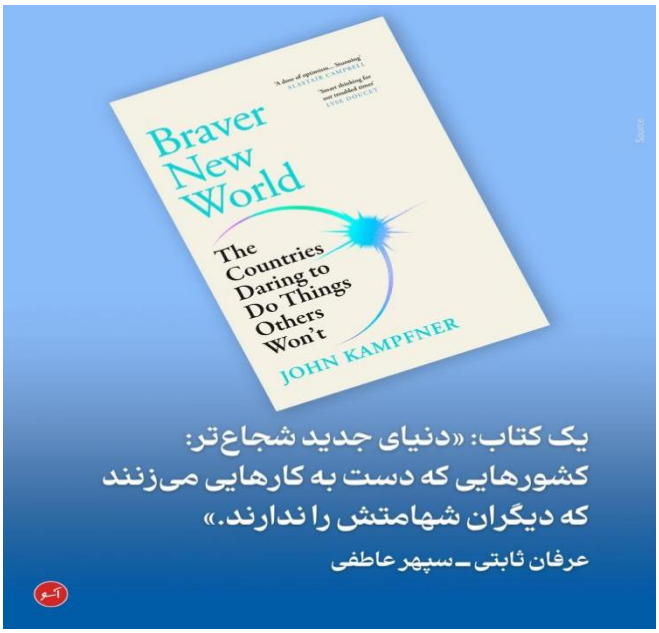

فنلاند چگونه بحران نظام آموزشیِ سنتی را پشت سر گذاشته است؟ استونی چگونه بر بحران بوروکراسی و کاغذبازی غلبه کرده و یکی از کارآمدترین دولت‌های دیجیتال را پدید آورده است؟ دوراندیشیِ سیاسی چه نقشی در مواجهه با خیزش پوپولیسم دارد؟

منبع: نشر آسو

بیل گیتس راجع به آینده : ۲۰ سال دیگه توی جهانی زندگی میکنیم که غذا و محل سکونت توش رایگانه*

مهتا بذرافکن

دوره فراوانی جهان شروع خواهد شد!

دیدم این نقل قول داره تو کانالها دست به دست می چرخه. اولین چیزی که در این نقل قول نظرم رو جلب کرد وعده اتوپیا و آرمان شهری هست که بسیار شبیه آرمان شهریه که کمونیسم وعده داده بود.

اولین پرسشی که باید از بیل گیتس پرسیده بشه اینه که :چه کسی ابزار تولید را در اختیار دارد و چه کسی درباره توزیع محصول و ثروت تصمیم می‌گیرد؟ آیا انسان‌ها برده فناوری میشوند ؟ اگر ماشین‌ها همه‌چیز تولید کنند، اما مالکیت ماشین‌ها، زمین، انرژی، آب، داده و زیرساخت‌ها در دست گروه کوچکی باقی بماند، فراوانی تولیدشده الزاماً به رفاه همگانی تبدیل نمی‌شود. من با اصل این تصور که هوش مصنوعی و رباتیک می‌توانند هزینه تولید بسیاری از کالاها و خدمات را کاهش دهند موافقم. اما در این پیام سه ادعای متفاوت با هم ترکیب شده‌اند:

هوش مصنوعی و ربات‌ها بخش بزرگی از کارهای انسانی را انجام خواهند داد. هزینه غذا، مسکن و دارو به صفر خواهد رسید. انسان‌ها دیگر برای امرار معاش کار نخواهند کرد و مسئله اصلی‌شان یافتن معنای زندگی خواهد بود. حتی اگر تولید غذا به کمک ربات‌ها بسیار ارزان شود، هنوز مسئله مالکیت زمین، آب، بذر، ماشین‌آلات، زنجیره توزیع و دسترسی مردم به غذا باقی است. اما ارزان‌تر شدن تولید، الزاماً به معنای رایگان شدن محصول نیست.

جالب است که خود بیل گیتس در مصاحبه‌ای با MIT Technology Review در اوت ۲۰۲۶، تصویر کمی پیچیده‌تر و محتاطانه‌تری ارائه کرده است. او از احتمال ورود به دوره‌ای از فراوانی (Abundance) در افق ۱۰ تا ۲۰ سال صحبت می‌کند؛ اما همزمان می‌گوید: ما هنوز به آن مرحله نرسیده‌ایم. در دوره گذار، برندگان و بازندگان اقتصادی خواهیم داشت. مسکن و آموزش به این زودی ارزان نخواهند شد. حتی جامعه فعلی هنوز توان تأمین درآمد پایه همگانی (UBI) را ندارد. برای توزیع منافع هوش مصنوعی باید درباره مالیات بر ربات‌ها و حمایت از نیروی کار فکر کرد.

مهمترین سوالاتی که در جامعه شناسی، اقتصاد و سیاست مطرحه اینه که چه کسی مالک این ماشین‌ها، زمین‌ها، منابع طبیعی و زیرساخت‌های تولید خواهد بود؟ اگر تولید فراوان شود اما مالکیت و قدرت اقتصادی همچنان متمرکز بماند، آیا همه مردم به آن فراوانی دسترسی خواهند داشت؟

اگر ربات‌ها بتوانند کشاورزی را با هزینه کمتر انجام دهند، آیا آب و زمین هم عادلانه‌تر توزیع خواهند شد؟ یا ممکن است همان فناوری، کشاورزی را در اختیار شرکت‌هایی قرار دهد که سرمایه و زیرساخت بیشتری دارند؟

منبع: سایت آب و جامعه